یادداشت روز

صادقانه با صدیقی عزیز

ارادت نگارنده به حضرت آقای صدیقی، از سالیان قبل و جای گرفته در قلب است. ارادت صادقانه‌ای که در گذر ایام نه فقط کاستی نداشته بلکه رو به تزاید نیز بوده و هنوز هم هست. برخی اوقات که توفیق زیارتشان را داشته‌ام نصیحت و توصیه‌ای خواسته‌ام و هیچ‌گاه نیز دست‌خالی بازنگشته‌ام. از سوی دیگر، آیت‌الله مصباح‌یزدی را فقیهی مجاهد با شجاعتی مثال‌زدنی و آمیخته به تقوای الهی می‌دانم تا آنجا که هرگاه بدخواهان با زبان و قلم به آن حکیم الهی تاخته‌اند، وظیفه و تکلیف خود دانسته‌ام که در حد و اندازه وسع خویش، زبان و قلم به دفاع از ساحت مقدس آن استاد بزرگوار بگردانم. این توضیح را از آن جهت ضروری دانسته‌ام که مبادا نقد دلسوزانه‌ام به سخنان اخیر جناب صدیقی عزیز، جسارت به محضر ایشان تلقی شود و یا خدای نخواسته انکار مراتب والا و بالای علامه مصباح‌یزدی به شمار آید.

آقای صدیقی در یک مصاحبه تلویزیونی به رخدادی از قول یکی از افراد حاضر در مراسم غسل پیکر مطهر حضرت آیت‌الله مصباح‌یزدی اشاره کرده و فرمودند:

« آیت‌الله مصباح یزدی را در خانه غسل دادند و کسی غسل داد که آیت‌الله حق‌شناس را غسل داده بود، دامادِ داماد ایشان آقای دکتر محمدی جزو مریدان آیت‌الله حق‌شناس بود. او تعریف کرد آیت‌الله جاودان به ما پیام داد که اگر از آقای مصباح یک کرامتی دیدید به ما بگویید. غسال روایت می‌کند وقتی این پیام را دریافت کردم آرزو کردم که ای کاش آیت‌الله مصباح در آن دنیا شفاعتی بکند. تا این آرزو را کردم دیدم آیت‌الله مصباح چشمانشان را باز کردند و یک نگاه مهربانانه‌ای کرد و دوباره چشمانش را بست».

سخنان ایشان ضمن آنکه برای برخی از بدخواهان به سوژه و دستاویزی علیه حضرت آیت‌الله مصباح‌یزدی و ملامت آقای صدیقی تبدیل شده است، ارادتمندان آن فقیه وارسته و دوستداران جناب صدیقی را نیز به شدت آزرده خاطر کرده است و با عرض پوزش باید گفت این اظهارات جفایی ناخواسته در حق حضرت آیت‌الله مصباح‌یزدی بود و تصوری نابایسته از جناب صدیقی را نیز در برخی از اذهان به دنبال داشت. وجیزه پیش روی اشاره‌ای گذرا به این ماجراست.

۱- جناب صدیقی این ماجرا را از قول داماد محترم آیت‌الله محمدی‌عراقی و ایشان نیز به نقل از غسل‌دهنده پیکر مطهر حضرت آیت‌الله نقل کرده‌اند. یعنی با دو واسطه! در این مقال، هرگز درپی آن نیستیم که غسال محترم را به بیان یک رخداد غیر واقعی متهم کنیم ولی آیا ایشان به درستی و دقت دیده و برای داماد محترم نقل کرده است؟! آیا تصور واهی نکرده است؟ و یا خطای دید نداشته و به اشتباه در نگاه به پیکر مطهر حضرت آیت‌الله تلقی گشوده شدن چشم‌ها و لبخند زدن آن مرحوم به ذهنش خطور نکرده است؟!

۲- همه احتمالات یاد شده در بند فوق و ده‌ها احتمال عقلانی دیگر قابل شماره است که دستکم و در خوشبینانه‌ترین حالت می‌تواند از خطای دید غسال محترم حکایت کند. در این میان آنچه از برادر عزیزمان جناب صدیقی انتظار می‌رفت آنکه اولاً؛ تمامی احتمالات یاد شده را در نظر می‌گرفتند و پیش از آن اظهارنظری نمی‌فرمودند، زیرا ماجرای نقل‌شده از نوع رخدادهای طبیعی و عادی نبوده است که به آسانی قابل باور باشد! آنهم از سوی عالم دینی برجسته و پاکباخته‌ای نظیر جناب صدیقی.

ثانیاً؛ برفرض که غسال دید برزخی داشته!! و داماد محترم نیز در اعتماد به قول او اشتباه نکرده باشد -که بسیار بعید به نظر می‌رسد!- سؤال این است که طرح این ماجرا در رسانه و برای عموم چه ضرورتی داشته است؟!

۳- مراتب معنوی و درجات عالی آیت‌الله مصباح‌یزدی بسیار برتر از آن است که برای اثبات، به نمونه‌ها و نقل مواردی از این دست نیاز داشته باشد. آنچه ایشان در طول حیات طیبه خویش با خدمت خالصانه و عالمانه به حوزه‌های علمیه و دانشجویان و طلاب باقی گذاشته‌اند و مجاهدت بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیری که در این راه داشته‌اند به‌اندازه‌ای عظیم و انبوه است که تنها مراجعه کردن و مراجعه دادن این و آن به گوشه‌ای از آن بسیارها کافی است تا همگان حضرتش را قدر بدانند و در ژرفای قلوب به صدر نشانند.

۴- با کمال تاسف و ضمن پوزش از آقای صدیقی باید گفت، نقل ماجرای مورد اشاره بی‌آنکه ایشان بخواهد نه فقط تکریم و تجلیل از حضرت آیت‌الله مصباح نیست بلکه جفا در حق آن استاد بزرگ و رجل گرانقدر الهی نیز هست، ضمن آنکه جفا به شخصیت خود ایشان هم تلقی می‌شود و این نکته را نمی‌توان نادیده گرفت چرا که جناب صدیقی یکی از سرمایه‌های ارزشمند انقلاب و نظام و مردم این مرز و بوم هستند و تنها به خودشان تعلق ندارند.

۵- و بالاخره این نکته نیز گفتنی است که آنچه در این وجیزه آمده است، نمی‌تواند و نباید -خدای نخواسته- کمترین خدشه‌ای به شخصیت گرانقدر حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین، صدیقی تلقی شود، بلکه ماجرای نوشته این حقیر و جایگاه حضرت صدیقی را به حِد، مصداق این بیت از سعدی علیه‌الرحمه می‌دانم؛

گاه افتد که مرد دانشمند نتواند درست تدبیری
گاه باشد که کودکی نادان به غلط بر هدف زند تیری!

حسین شریعتمداری

نشنال اینترست: ایران تسلیحاتی بازدارنده‌تر از بمب اتمی دارد

یک نشریه آمریکایی تأکید کرد: ایران حتی بدون سلاح اتمی، بازیگر مهم قدرت در خاورمیانه است.

نشنال اینترست: با بیان اینکه برنامه موشکی ایران مهم‌ترین ابزاری است که برای ایران در عرصه قدرت‌نمایی منطقه‌ای، جایگاه خاصی تعریف می‌کند، نوشت: ایران برای دنبال کردن منافع خود در خاورمیانه، پنج ابزار مرگبار دارد. تهران با استفاده از این ابزارها می‌تواند موقعیت خود را حفظ و اهدافش را دنبال کند: جنگ‌های نامنظم، کارت اسرائیل، موشک‌های بالستیک، توافقات نفتی و براندازی سیاسی.

ایران تلاش کرده است نیروهای متعارف نظامی خود را از جنگ‌های مختلفی دور نگه دارد که منطقه را از یک دهه گذشته تاکنون در آشوب فرو برده است. البته این لزوما به معنای آن نیست که ایران درگیر این مناقشات نبوده است. بلکه در عراق، سوریه، افغانستان و دیگر مناطق در جنگ‌های نامنظم درگیر بوده است.

ایران با حمایت از دولت سوریه مانع از گسترش داعش شد. از زمان تهاجم نظامی آمریکا در عراق، ایرانی‌ها هم عموما با حمایت از شبه‌نظامیان شیعه عراق، در عرصه نظامی و سیاسی عراق حضور داشته‌اند.

در این گزارش به نفوذ ایران در میان جنبش‌های ضدصهیونیستی اشاره شده و آمده است: حمایت از این نهادها به ایران اعتبار دیپلماتیک و ایدئولوژیک می‌دهد و در عین حال نقطه مقابلی است علیه برتری‌جویی نظامی متعارف اسرائیل در منطقه.

نویسنده همچنین از موشک‌های بالستیک به‌عنوان دیگر ابزار در اختیار ایران یاد کرده و می‌نویسد موشک‌های ایران قادر هستند تمام مراکز سیاسی، نظامی و تاسیسات اقتصادی را با دقت در منطقه هدف قرار دهند. از یک منظر، این موشک‌های بالستیک همان هدف بازدارندگی برنامه هسته‌ای را ایفا می‌کنند، البته به شیوه‌ای بسیار مطمئن‌تر.

حملات موشک‌های بالستیک احتمالا نمی‌تواند تولید نفت را متوقف و زیرساخت‌های انتقال نفت را در خلیج فارس نابود کند، با این وجود بهبود در دقت موشک‌ها در سال‌های اخیر، قابلیت ویرانگری آنها را بدون شک افزایش داده است.

نویسنده در پایان می‌نویسد: ایران همچنان از این ابزارها که در ۳۵ سال گذشته ایجاد کرده، بهره خواهد برد و قطعا بدون سلاح هسته‌ای هم، یک بازیگر مهم قدرت در خاورمیانه است.

ولایتی: اگر آمریکا می‌خواهد به برجام برگردد شرطش برداشتن تحریم‌هاست

مشاور رهبر انقلاب در امور بین‌الملل گفت: اگر آمریکا می‌خواهد به برجام برگردد شرطش برداشتن تحریم‌ها و جبران کوتاهی‌های گذشته است.

علی‌اکبر ولایتی، مشاور رهبر انقلاب در امور بین‌الملل با اشاره به بیانات اخیر رهبر انقلاب مبنی بر اینکه تحریم‌ها باید برچیده شود و این امر بر بازگشت آمریکا به برجام اولویت دارد، گفت: مطّلع هستید که آمریکایی‌ها در این مسئله پیشتاز بودند و به ما پیشنهاد دادند اگر فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای‌تان را محدود کنید، ما هم تحریم‌ها را برمی‌داریم. ما در همان مهلتی که مقرر بود و با ۱+۵ تعهد کرده بودیم، این کار را انجام دادیم و هیچ تأخیری هم نداشتیم؛ امّا در طرف مقابل آمریکایی‌ها به‌صورت مقطعی بعضی از تحریم‌ها را برمی‌داشتند و در فاصله‌های کوتاهی تمدید می‌کردند؛ یعنی از اوّل بنای این را داشتند که کار موقتی انجام بدهند که اگر یک مرتبه قطع کردند، موجب شگفتی و تعجب نشود.

ولایتی در گفت‌وگو با پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای افزود: دولت قبلی آمریکا که رفت و دولت بعدی آمد، اصلاً به این تعهد پایبند نبود. ببینید هر دولتی که در آمریکا روی کار باشد اگر تعهدی بکند، برای دولت‌های بعدی الزام‌آور است. این‌طور نیست که هر دولتی تعهد خاص خودش را داشته باشد. بنابراین ما تعهدات را انجام دادیم، ولی آنها بد عهدی کردند و طبیعی است که اگر می‌خواهند برگردند باید تحریم‌هایی که تعهد داشتند را بردارند.

حق داریم که به آمریکایی‌ها بدبین باشیم

وی افزود: نکته مهم و تأسف‌آور این است که سه کشور دیگر غربی؛ یعنی فرانسه، آلمان و انگلیس که نمایندگان اتحادیه اروپا هستند هم در متابعت از آمریکا محدودیت‌های زیادی را برای ما تحمیل کردند و به‌نوعی تحریم غیرمستقیم هم داشتند؛ ولی از بین ۱+۵، روسیه و چین تا آنجایی که توانستند کمک کردند و به تعهدشان عمل نمودند. وقتی یک چنین سابقه سوء از طرف آمریکایی در انجام تعهداتشان دارند، ما حق داریم که بدبین باشیم و اگر باز هم برگردند و مذاکرات را از سر بگیرند، در حالی که تعهدات قبلی را انجام ندادند، به‌هیچ‌وجه، قابل قبول نیست.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام خاطرنشان کرد: بنابراین هرچه زودتر این تحریم باید برداشته شود، به‌علاوه اینکه ما از قبل هم خسارت دیدیم و باید خسارت‌های ما را تأمین کنند چرا که بی‌جهت و به‌صورت غیرقانونی تحریم کردند و ما خسارت‌های زیادی را متحمل شدیم.

دولت اوباما به قول شفاهی خود عمل نکرد

ولایتی در پاسخ به اینکه آیا بازگشت آمریکا به برجام فایده‌ای خواهد داشت؟ اظهار داشت: ما هیچ اصرار و عجله‌ای نداریم که آمریکا برگردد؛ امّا اگر می‌خواهد برگردد شرایطی دارد که مهم‌ترینش این است که تحریم‌ها را بردارد و معلوم بشود که دولت جدید به تعهدات برجام پایبند است؛ یعنی اعلام کند و رئیس‌جمهور آمریکا هم متعهد شود. در نوبت اوّل مقرر بود که آقای اوباما رئیس‌جمهور وقت تعهد بدهد و شرط رهبر معظّم انقلاب هم این بود که رئیس‌جمهور آمریکا مکتوب بنویسد که بعداً نتواند کتمان کند. البته گفتند قول شفاهی ما کافی است و رهبر معظّم انقلاب هم به این راضی نبودند و متأسفانه قول شفاهی شد و بعد هم به قول شفاهی‌شان عمل نکردند.

مشاور رهبر انقلاب در امور بین‌الملل گفت: لذا اگر آمریکا بخواهد به برجام برگردد، باید تحریم‌ها را پایان دهد و البته ما اصراری نداریم به این برگشت، می‌خواهد برگردد، می‌خواهد برنگردد. اگر می‌خواهند برگردند باید شرایط مورد نظر که شرایط کاملاً معقولی است را انجام بدهند و کوتاهی‌های گذشته را جبران کنند.

ایران هر زمانی تصمیم بگیرد می‌تواند غنی‌سازی بالاتری انجام بدهد

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها گفت: مجلس و دولت به تکلیف خودشان عمل کردند. لذا کار بسیار خوبی بود و نشان‌دهنده این است که ایران هر زمانی تصمیم بگیرد غنی‌سازی بالاتری انجام بدهد، به‌راحتی، می‌تواند اقدام نماید. ولایتی تأکید کرد: ما هیچ‌وقت از صنعت هسته‌ای جدا نخواهیم شد و خودمان را محروم نخواهیم کرد.

مکانیسم ماشه باید کنار گذاشته شود

وی در پاسخ به سؤالی درخصوص شروط و الزامات رهبری در نامه مربوط به تأیید مشروط برجام گفت: آنچه که رهبر معظّم انقلاب مشخص کردند، به برخی از آن عمل شد و به برخی از آن عمل نشد. به هر حال اگر آن شروط انجام شده بود، حتماً این سیر وقایع در رابطه با فعالیت‌های هسته‌ای به‌گونه دیگری رقم می‌خورد. البته ایشان فرموده بودند که رئیس‌جمهور آمریکا امضاء کند و حتی رهبر معظّم انقلاب از اوّل به قضیه مکانیسم ماشه راضی نبودند و خلاف‌نظر ایشان انجام شد. حتماً در مذاکرات بعدی باید این مکانیسم به‌عنوان یک اصل غیرمنطقی کنار گذاشته شود.

زیر بار تحمیلات آمریکا و غیرآمریکا نخواهیم رفت

مشاور رهبر انقلاب در امور بین‌الملل اافزود: ما در رابطه با آینده کشورمان به هر شکلی که مصلحت ملت باشد و منافع کشور اقتضا بکند، در چارچوب مقررات بین‌المللی و نیازمندی‌های ملی اقدامات لازم را انجام می‌دهیم و بدون‌تردید زیر بار تحمیلات آمریکا و غیرآمریکا نخواهیم رفت. اصلاً مهم‌ترین خاصیت و ویژگی انقلاب این بود که از وابستگی نجات پیدا کند؛ چون حدود دویست سال حکومت قاجار و حکومت پهلوی سند وابستگی این کشور را به بیگانگان داده بودند و این موجب عقب‌افتادگی کشور شد. با انقلاب اسلامی ایران عملاً ید سلطه‌گران قطع شد و ایران آزاد شد. اگر قرار باشد که ما بپذیریم دیگران منافع ما را تشخیص بدهند یا برای ما تعیین‌تکلیف بکنند، یعنی استقلال را که مردم ما در طی ده‌ها سال از مشروطه و تحریم تنباکو گرفته تا مبارزات نفت و انقلاب اسلامی برایش زحمت کشیدند را از دست داده‌ایم و ما هر کاری که مغایرت با استقلال داشته باشد حتماً انجام نخواهیم داد.

گفت و شنود

جوجه‌تیغی!

گفت: با وجود اینکه آمریکا و انگلیس در مبارزه با کرونا در میان همه کشورها بدترین شرایط را دارند و همه روزه نیز تعداد تلفات و مبتلایان در این دو کشور رو به افزایش است، هنوز هم برخی از غربگراهای داخلی اصرار دارند که از آمریکا و انگلیس واکسن بخریم!

گفتم: این عده همان‌هایی هستند که به آمریکا پیشنهاد کرده بودند علیه ایران دست به تحریم‌های فلج‌کننده بزنند!

گفت: دیلی‌میل نوشته در یک نظرسنجی ۶۰ درصد کارکنان بهداشتی آمریکا گفته‌اند به واکسن ساخت آمریکا اعتماد ندارند. وقتی خود مردم آمریکا، آنهم کارکنان مراکز بهداشتی به واکسن آمریکایی اعتماد ندارند، این کاسه‌لیس‌های داخلی برای همراهی و همسویی خود با دشمنان مردم ایران چه توضیح و توجیهی دارند؟!

گفتم: یک جوجه‌تیغی با یک کیوی در پارک کنار هم نشسته و دل داده و قلوه گرفته بودند. نگهبان پارک که به آنها مشکوک شده بود از جوجه‌تیغی پرسید؛ شما با این کیوی چه نسبتی دارید؟ گفت؛ داداشمه، تازه از سربازی برگشته!

واشنگتن‌پست یک سال پس از حمله ایران به عین‌الاسد

نظامیان آمریکا: اضطراب و کابوس عین‌الاسد هنوز رهایمان نکرده است

یک روزنامه آمریکایی با افشاگری درباره سیلی موشکی ایران به نظامیان آمریکا در «عین‌الاسد» نوشت، ۱۱۰ نظامی آمریکا مستقردر عین‌الاسد حین حمله موشکی ایران با آسیب مغزی مواجه و برخی نیز مدت‌ها بستری شدند.

روزنامه آمریکایی واشنگتن‌پست در سالگرد سیلی موشکی ایران به نیروهای آمریکایی مستقر در پایگاه «عین‌الاسد» در آمریکا نوشت، نیروهای آمریکایی با اینکه از هجوم موشک‌های ایران در عین‌الاسد جان سالم به در بردند، اما با گذشت یک سال هنوز با عواقب آن مواجه‌اند.

واشنگتن‌پست یکشنبه‌شب به وقت تهران گزارشی منتشر کرد که در آن برخی نظامیان آمریکایی مستقر در عین‌الاسد هنگام حمله موشکی ایران گوشه‌هایی از خاطرات تلخ خود را افشا کردند. به نوشته این روزنامه، با اینکه هیچ نظامی آمریکایی در حملات موشکی ایران کشته نشد، اما این قدرتمندترین حمله به آمریکایی‌ها در سال‌های اخیر بود.

سرگرد «آلن جانسون» با به یادآوری موج‌های انفجار ناشی از حمله موشکی ایران گفت: «هنوز اضطراب دارم و هنوز کابوس می‌بینم و صدای موشک‌ها را به‌خاطر می‌آورم».

جانسون گفت: «واقعیت این بود که همه علائم آسیب مغزی را داشتند. اما این علائم در مقایسه با آنچه که ما تمام شب را پشت‌سر گذاشتیم، ناچیز بود».

سرهنگ دوم «جاناتان جردن» افسر عملیات نیروی هوایی آمریکا در عین‌الاسد گفت، نمی‌توان تصور کرد که کسی از آسیب‌های روحی و روانی ناشی از این حمله موشکی در امان مانده باشد.

به نوشته این روزنامه، ۱۱۰ پرسنل نظامی آمریکا مستقر در عین‌الاسد حین حمله موشکی ایران با آسیب مغزی مواجه و برخی نیز مدت‌ها بستری شدند.

واشنگتن‌پست با افشای جزئیات بیشتری از حمله موشکی ایران به عین‌الاسد و مخفی کاری آن موقع پنتاگون نوشت، ۲۹ نظامی آمریکا از جمله سرگرد جانسون به شدت مجروح شدند و به همین دلیل آمریکا به آنها نشان «پرپل هارت» (نشان به اصطلاح شجاعت) را اهدا کرد. به گفته بازماندگان این حادثه، حمله ایران باعث عصبانیت و درماندگی برخی نظامیان شد.

«ساموئل لواندر» کارشناس نیروی هوایی ارتش آمریکا مستقر در عین‌الاسد گفت، ایرانی‌ها با موشک‌های قدرتمند از کیلومترها دورتر به عین‌الاسد حمله کردند. «درو داونپورت» پرسنل دیگر ارتش آمریکا مستقر در عین‌الاسد نیز با بازگویی گوشه‌هایی از این ماجرا گفت، اولین موشک حدود ساعت یک و سی دقیقه بامداد به وقت محلی کنار یک خودروی ضد مین برخورد کرد.

وی در ادامه گفت: «ابرهای قارچی قرمز و نارنجی را به یاد می‌آورم. این یکی از بدترین اتفاقاتی بود که تاکنون مشاهده کرده‌ام.» درو داونپورت در بخش دیگر به صراحت گفت که برخی هنوز نمی‌دانند که چه اتفاقی افتاد و این موردی مایوس‌کننده است.

به گزارش فارس، واشنگتن‌پست در خاتمه نوشت، نیروهای آمریکایی با اینکه از هجوم موشک‌های ایران جان سالم به در بردند، اما با گذشت یک سال هنوز عواقب آن حمله گریبانگیر آنهاست.

خبر ویژه

بار بدهی ۱۰۰ هزار میلیاردی دولت فعلی بر دوش دولت بعد

دولت روحانی، دولت بعدی را در همان سال اول فعالیتش؛ در تله بدهی بالغ بر یکصد هزار میلیارد تومانی گرفتار می‌کند.

حسین راغفر استاد دانشگاه الزهرا(س) در گفت‌وگو با روزنامه شرق درباره این نگرانی گفت: دولت سال ۹۹، حدود ۳۳ هزار میلیارد تومان از بورس درآمد کسب کرد. دولت از دو منظر در این بازار سود برد. اول از فروش دارایی‌های خود با قیمت‌هایی بیش از ارزش واقعی و دوم از کاهش ارزش بدهی‌هایش، به عبارت دیگر، از محل رشد کاذبی که به بورس وارد شد، تورمی شکل گرفت و از طریق تورمی که در بازار به وجود آمد ارزش بدهی‌های دولت کاهش پیدا کرد. در اقتصاد ما، بزرگترین بدهکار خود دولت است. اگر بدهی‌های دولت را با قیمت روز محاسبه کنیم، خواهیم دید ارزش بدهی‌های دولت به دلیل تورم به شدت کاهش پیدا کرده است.

او افزود: وقتی تورم حاصل می‌شود ارزش دارایی‌هایی که با استقراض ایجاد شده به شدت بالا می‌رود و ارزش بدهی‌ها به شدت کاهش می‌یابد.

او با بیان اینکه بازنده این اتفاق گروه‌های مختلف مردم هستند، گفت: طبقات محروم جامعه بیشترین آسیب را از این اتفاق می‌بینند. چرا که از یک سو آنها دارایی خاصی ندارند که بر اثر تورم افزایش ارزش پیدا کند و از سوی دیگر با ایجاد تورم در اقتصاد هزینه‌های اولیه زندگی آنها به شدت افزایش پیدا می‌کند و برای تأمین حداقل‌های معیشتی دچار مشکل می‌شوند.

راغفر اذعان کرد: از این رو فروش دارایی‌های دولت که امسال قرار است صورت بگیرد، می‌تواند تبعات خطیری حتی برای آن دسته از افرادی که در بورس حضور ندارند، داشته باشد.

دولت می‌خواهد در بودجه سال آینده استقراض بزرگی را انجام دهد و این استقراض کاری خواهد کرد که پرداخت اصل و فرع سالانه این بدهی‌ها برای دولت بعدی در ۱۴۰۱ به چیزی حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان برسد. همه اینها باعث می‌شود که دولت بعدی ناگزیر از حرکت در مسیر ریل‌گذاری طراحی شده دولت دوازدهم بشود که در واقع ادامه فروش اموال دولت و استقراض و بالا نگاه داشتن قیمت ارز است و همه اینها به شدت به زیان عموم مردم خواهد بود.

شرق در ادامه نوشت: در لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ دولت هزینه‌ای بالغ بر ۸۰ هزار میلیارد تومان برای بازپرداخت اصل اوراق مالی در نظر گرفته که در مقایسه با سال قبل از آن دو برابر شده است. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد که با احتساب پرداخت سود اوراق سررسید شده که در ردیف هزینه‌ای دیگری آمده کل بودجه لازم برای پرداخت اصل و سود اوراق سررسید شده در سال آینده نزدیک به ۱۳۰ هزار میلیارد تومان خواهد بود.

واقعاً روحانی فکر می‌کند که مردم از گرانی‌ها با خبر نشدند؟!

آقای روحانی چطور می‌گوید مردم حذف بی‌سروصدای ارز ۴۲۰۰ تومانی را نفهمیدند، در حالی که قیمت‌ها رشد بی‌سابقه داشته است.

روزنامه اقتصادی جهان صنعت در نقد سخنان اخیر رئیس‌جمهور نوشت: دوباره چهارشنبه شد و آقای رئیس‌جمهور از تریبون دولت برایمان از موفقیت‌هایش گفت؛ از افتخاراتش در عرصه مدیریت اقتصاد و معیشت، همچنین از اینکه چطور آرام و با طمأنینه همه چیز را پیش برده که آب در دل ما تکان نخورد یا به قول خودش نفهمیم. جناب روحانی که دلش از مجلس و ایراداتش به بودجه یا حذف ارز جهانگیری و...پر است، برای تلافی و پاسخ دادن به قوه مقننه، منت هر چه کرده و نکرده را بر سر ملت می‌گذارد!

جالب آنکه به رسانه‌ها توصیه می‌کند وقتی نقد می‌کنند، حواس‌شان باشد که دولت در چه شرایطی، اقتصاد کشور را مدیریت کرده است، چنان هم حق به جانب که گویی مقصر این شرایط اعم از تحریم، عدم امکان نقل‌وانتقالات مالی، عدم امکان فروش نفت و... مردم هستند.

افتخار آقای رئیس‌جمهور این است که مردم اگرچه به سختی افتاده‌اند اما برای تهیه کالاها صف نبسته‌اند. می‌گوید مگر برنج و... نخریده‌ایم که ببینیم با وجود حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی قیمت فرقی نکرده است. این‌طور که معلوم است آقای روحانی از قیمت‌ها و وضعیت موجودی کالاها در بازار هم همان‌قدر مطلع است که از رضایتمندی آنان مطلع بود و از روی لبخندهایشان حدس می‌زد.

رئیس‌جمهور محترم قطعا شخصا خرید نمی‌کند و کسانی که این کار را برایش انجام می‌دهند به او نگفته‌اند که هر هفته یک کالا کمیاب و نایاب می‌شود. یک روز کره را جیره‌بندی می‌کنند و یک روز پوشک بچه و نوار بهداشتی پیدا نمی‌شود. یک روز هم دغدغه‌مند بالا و پایین شدن نرخ مرغ و تخم‌مرغ را پیگیری می‌کنیم.

مردم همه مشکلات را با دلسوزی و صبر تاب می‌آورند و دم نمی‌زنند چرا که قلب‌شان برای کشور می‌تپد و هر دشواری‌ای را مثل یک خانواده کنار هم تحمل می‌کنند. آقایان مسئول اما انگار این دلسوزی را اشتباه تعبیر کرده و- با ادبیات آقای روحانی- نفهمیده‌اند. تصورشان این است که مشکلات آرام‌آرام سر مردم آوار شده و نفهمیدند که قیمت همه مایحتاج زندگی طی دو سال گذشته بیش از ۱۰ برابر شده است. نفهمیده‌اند که حقوق‌های سه، چهار میلیونی کفاف زندگی یک نفره را هم نمی‌دهد.

سی‌ان‌ان: ترامپ شکست خورد تهدیدهای ایران بیشتر شده است

سی‌ان‌ان در گزارشی اعلام کرد راهبرد ترامپ در مقابل ایران شکست خورده است.

وبسایت سی‌ان‌ان نوشت: مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا ادعا می‌کند که ما امروز نسبت به چهار سال گذشته بسیار ایمن‌تریم. این در حالی است که اکنون هزاران نفر بر اثر کووید۱۹ می‌میرند و حملات سایبری و تنش با ایران افزایش یافته است. در حالی که پمپئو تلاش می‌کند برداشت شخصی خودش از واقعیت را بقبولاند، توییت‌هایش از واقعیت وحشتناکی پرده برمی‌دارد که پیش روی رئیس‌جمهور بعدی است: امنیت ملی آمریکا به شکل گسترده‌ای در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ تضعیف شده است.

به گزارش «دیپلماسی ایرانی»، در ادامه این تحلیل آمده است: قدرت آمریکا در خارج از کشور بی‌ارتباط با ناتوانایی‌های داخلی نیست. دشمنان و متحدان ما می‌دانند که حواس ما پرت است: تلفات کووید۱۹، اقتصاد آسیب‌دیده، شکاف‌ها و اختلافات عمیق سیاسی همگی در ارتقاء صلاحیت آمریکا در خارج از مرزها نقش دارند.

یکی از چالش‌های پیش روی دولت جو بایدن، ایجاد ثبات در اتحادهای ما به عنوان بستر هر راهبردی برای ارتقاء امنیت ملی ایالات متحده است. سیاست‌های دولت ترامپ مانند بی‌کفایتی در مورد ایران و دادن پاس گل رایگان به کره شمالی سبب شد تا شمار زیادی از دشمنان ایالات متحده در چهار سال اخیر احساس قدرت کنند.

راهبرد ترامپ در مورد ایران یک شکست بود. در سالگرد ترور قاسم سلیمانی، ایالات متحده بمب‌افکن‌هایی را به منطقه اعزام کرد. مقامات دفاعی آمریکا به سی‌ان‌ان گفتند اطلاعات نشان می‌دهد که ایران موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد را به عراق منتقل کرده است. ترور ژنرال سلیمانی و عوامل خطر همراه با آن نشان می‌دهد که راهبرد ترامپ در برابر ایران چقدر بد عمل کرده است. در حالی که این ترور یک بازیگر نامطلوب را از صحنه خارج کرد اما جلوی پیشروی ایران را نگرفت. ساز و کار فشار حداکثری هیچ یک از خواسته‌های ایالات متحده را برآورده نکرد و حالا تهدیدهای ایران بدتر هم شده است. توانایی هسته‌ای ایران افزایش یافته و مجلس این کشور دستور غنی‌سازی ۲۰ درصدی را داده که بسیار بیشتر از سقف غنی‌سازی ۳٫۶۷ درصدی توافق هسته‌ای است. حملات متعارف ایران و نیروهای نیابتی‌اش نیز کاهش نیافته است. ایران همچنین به تهاجم خود در فضای مجازی افزوده است. نفوذ آنلاین و انتشار اطلاعات غلط و همچنین هدف قرار دادن انتخابات آمریکا از جمله فعالیت‌های ایران بوده است.

بی‌لیاقتی ترامپ در مورد ایران نباید به این کشور یک مجوز رایگان بدهد. تهران دست به فعالیت‌های خطرناکی می‌زند که دولت بایدن باید آنها را در نظر داشته باشد. بایدن باید راهبرد ایران را نه بر پایه اطلاعات شبکه‌های خبری از نوع فاکس‌نیوز، بلکه بر اساس اطلاعات واقعی مقامات امنیتی بنا کند.

تورم ۴۸ تا ۱۶۲ درصد را مردم متوجه نشدند؛ واقعا؟!

آقای روحانی در حالی می‌گوید مردم متوجه آثار حذف بی‌سروصدای ارز دولتی نشده‌اند که اقدام دولت، تورم‌های بالای ۱۰۰ درصد را در برخی اقلام موجب شده است.

رئیس‌جمهور اخیراً در جلسه هیئت دولت گفت: «در یک سال گذشته دولت به طور تدریجی و در حدی که جامعه بتواند تحمل کند، تعدادی از کالاها را از شمول اختصاص ارز ۴۲۰۰ تومانی خارج کرده است و امروز چند قلم از کالاها باقی‌مانده که برای مردم اهمیت دارد، البته ممکن است دولت در شرایط مناسب تصمیم دیگری در زمینه این کالاها نیز اتخاذ کند. ما در یک سال گذشته، ارز ترجیحی تعدادی از کالاهای ۴۲۰۰ تومانی را بتدریج حذف کردیم و گفتیم ارز نیمایی به این کالاها اختصاص پیدا کند. چای، برنج، شکر، لاستیک و خیلی موارد متعدد دیگر را یکی یکی، به تناسب و آرام آرام در حدی که جامعه بتواند تحمل کند و قابل قبول باشد، از لیست تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی حذف کردیم. ما به گونه‌ای با آرامش کار کردیم که بعضی‌ها هنوز خبر ندارند و اصلا نفهمیدند ما ارز ۴۲۰۰ تومانی این کالاها را حذف کردیم. عده‌ای در این کشور بودند، خرید هم می‌کردند، حبوبات هم می‌خریدند ولی نفهمیدند ما حبوبات را از لیست ۴۲۰۰ تومانی خارج کردیم. برنج می‌خریدند اما نفهمیدند ما ارز ترجیحی برنج را هم حذف کردیم. این خوب است، خیلی هم خوب است. معنی آن هم این است که فکر کردند تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی همچنان در همه کالاها ادامه دارد.

روزنامه وطن امروز با اشاره به این سخنان رئیس‌جمهورنوشت: این اظهارات در حالی است که طبق گزارش‌های مرکز آمار ایران، قیمت بسیاری از کالاهایی که مشمول دریافت ارز ۴۲۰۰ تومانی بودند، با رشد بسیار زیادی همراه شده است. صرف‌نظر از درستی یا نادرستی تخصیص ارز دولتی و هزینه‌های سنگین اجرای آن در ۲/۵ سال گذشته، آمارها از رشد شدید قیمت این کالاها در یک سال گذشته خبر می‌دهد. بررسی‌ها نشان می‌دهد قیمت کالاهایی که روحانی به حذف بی‌سر و صدای ارز ۴۲۰۰ تومانی آنها و بی‌تاثیر بودن این اقدام بر قیمت آنها اشاره کرد، طی یک سال گذشته بین ۴۸ تا ۱۶۲ درصد افزایش یافته است. وطن امروز با بیان این که تبعات این تصمیم دولت با افزایش قیمت‌ها و کاهش توان خرید، برای مردم کاملاً ملموس بوده است، می‌افزاید: روحانی در حالی از عملکرد دولت در مدیریت بازارهای مختلف تمجید کرد که طی ۲ سال اخیر، مردم بارها برای تهیه برخی اقلام مجبور به ایستادن در صف شدند. پوشک، کره، رب و روغن، برخی از معروف‌ترین کالاهایی بودند که تصاویر صف خرید آنها در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد. این کالاها البته صرفا کالاهایی بودند که صفوف خرید آنها بر اثر کمبود عرضه در بازار ایجاد شد. علاوه بر این موارد، کالاهای دیگری هم بودند که به دلیل افزایش شدید قیمت، مردم مجبور به ایستادن در صف عرضه دولتی این اقلام شدند. آخرین نمونه این موارد، گوشت مرغ بود که پس از عبور قیمت آن از ۳۰ هزار تومان به ازای هر کیلو در ماه گذشته، عرضه دولتی آن با هدف تنظیم بازار آغاز شد و مردم برای تهیه این کالای اساسی، مجبور به حضور در صفوف خرید مرغ دولتی شدند.

افراطیون مدعی اصلاحات نمی‌خواستند تحریم‌ها برداشته شود + سند

اینکه فائزه هاشمی، دختر مرحوم اکبر هاشمی‌رفسنجانی در سالگرد درگذشت پدرش، روز روشن اعلام می‌کند دوست داشته است دونالد ترامپ پیروز انتخابات ۲۰۲۰ می‌بود تا فشار بر ایران را ادامه می‌داد و باعث عقب‌نشینی ایران در مقابل زیاده‌خواهی‌های دولت آمریکا می‌شد، یک ترجمان دقیق و شفاف از مفهوم «بی‌وطنی» است. آنچه جعلق‌هایی مثل معصومه علی‌نژاد و امیرعباس فخرآور و عقب‌مانده‌های ریزه‌خوار پسمانده پهلوی در توجیه حمایت‌شان از ترامپ می‌گفتند نیز همین است که فائزه هاشمی گفت.

روزنامه وطن امرو